

نخستین اختلاف میان کسانی که موافقت و آنهایی که نیستند در چیست؟
کاملاً روشن است. اشخاص موفق پرسش‌های بهتری را مطرح می‌کنند و در نتیجه پاسخ‌های بهتری هم به دست می‌آورند.

هنگامی که ساخت اتومبیل در آغاز راه بود، صدها نفر در پی ساختن آن بودند، اما هنری فورد با طرح پرسشی خود را از دیگران متمایز کرد: چگونه می‌توانم این اتومبیل را به تولید انبوه برسانم؟ میلیون‌ها نفر در اروپای شرقی زیر یوغ کمونیسم در بی‌تابی به سر می‌بردند اما فقط لئو والنسا این شجاعت را داشت که پرسد: چگونه می‌توانم سطح زندگی تمام کارگران مرد و زن را بالا ببرم؟ اگر به تصورات خود قدرت حرکت و جولان دهید، پرسش‌هایتان شما را به کجا هدایت می‌کند؟

آیا شما با این اظهار نظر موافقت یا مخالف؟ تفکر چیزی نیست جز فرایند پرسش و پاسخ دادن به سئوالات. آیا برای پاسخ دادن، چنین پرسش‌هایی را با خود مطرح نمی‌کنید؟
آیا واقعاً حقیقت دارد؟ آیا با مطلبی که او می‌گوید موافق هستید؟

بیشتر افکار ما به هنگام طرح پرسش عمدتاً دارای فرایندی است برای ارزیابی «چطور است؟» تا تصور کردن «چه امکانی وجود دارد؟» تا تصمیم‌گیری «من چه کاری خواهم کرد؟»

بنابراین اگر خواهان تغییر کیفیت زندگی مان هستیم، می‌بایست به تغییر پرسش‌هایی پردازیم که برحسب عادت از خودمان و دیگران مطرح می‌کنیم.

کودکان قهرمانان همیشگی طرح پرسش‌اند. با تقلید از حس کنجکاوی و معصومیت کودکان که قاطعانه خواهان پاسخ هستند، شما چه چیزی را به دست می‌آورید؟

دست آوردهای زندگی من ثمره طرح پرسش‌هاست: چه عاملی مردم را به انجام کارهایی وادار می‌کند؟ چه عاملی سبب می‌شود که بعضی از مردم با امکاناتی کمتر از افرادی که پیروز نشده‌اند به موفقیت دست یابند؟ چگونه می‌توانیم از نتایج آنها نسخه برداری و تقلید کنیم؟

چگونه می‌توانیم کیفیت زندگی را برای همه مردم بهتر کنیم؟ پرسش‌های آغازین که سبب شکل‌گیری زندگی کنونی‌تان شده، کدامند؟

پرسش‌های معتبر سبب خلق کیفیت در زندگی می‌شود. تجارتی موفق می‌شود که تصمیم‌گیرندگان آن پرسش‌های صمیمی را درباره خط تولید و یا بازار و یا برنامه ریزی استراتژی طرح کنند. شکوفایی ارتباطات تا زمانی روی می‌دهد که مردم به طرح پرسش‌های صحیح بپردازند و به شناسایی نقاط بروز درگیری اقدام کنند و بی‌برند که چگونه دیگران را به جای تضعیف، مورد حمایت قرار دهند. جامعه هنگامی سود می‌برد که رهبران آن پرسش‌های دقیقی را طرح و اهداف مهم را شناسایی کنند و دریابند چگونه شهروندان می‌توانند همراه با هم به سوی اهداف مشترک به کار بپردازند. در هر بخشی از زندگی‌تان که خواهان پیشرفت هستید، می‌توانید پرسش‌هایی را طرح کنید که پاسخ‌هایی برای‌تان فراهم شود. پاسخ‌ها همان راه حل‌ها هستند که می‌توانند شما و افراد مورد علاقه‌تان را به سطحی بالاتر از موفقیت و کامیابی برسانند. آیا نیاز به طرح پرسش‌هایی درباره کیفیت، تعهد و تشریک مساعی دارید؟

پرسش‌ها سبب ایجاد رشته تأثیرات متوالی می‌شود که فراتر از تصورات ماست. تمام پیشرفت‌های انسان در نتیجه پرسش‌های جدید حاصل می‌شود.

چه پرسش جدیدی را می‌توانید با خود مطرح کنید که پاسخ آن می‌تواند زندگی امروز شما را بهبود بخشد.



قدرت انتظارات در بزرگتر جلوه دادن عملکردها کاملاً روشن است. در یک بررسی به چند معلم اطلاع داده شد که تعدادی از دانش‌آموزان در کلاس آنها، دارای استعدادی خدادادی اند و برای پیشرفت بیشتر می‌بایست پیوسته در چالش باشند. معلمین پذیرفتند و این دانش‌آموزان بهترین موفقیت را کسب کردند. در این مطالعه، دانش‌آموزانی نیز با استعداد طبیعی بودند ولی معلمین آنها اطلاع نداشتند و دانش‌آموزان موفق نشدند تا هوش عالی خود را به نمایش بگذارند. حتی برخی از این دانش‌آموزان به عنوان دانش‌آموزان ضعیف تر معرفی شده بودند.

چه عاملی این تفاوت را به وجود آورد؟ بله، این درک و یقین جدید دانش‌آموزان به استعدادهای شان سبب شد که برتری خود را به نمایش بگذارند.

آیا می‌توانید به اهمیت باورهای خودتان درباره خود و دیگر مردم پی ببرید؟

اگر می‌توانستید تلنگری بر قابلیت‌های عظیم خود بزنید چه کارها که نمی‌توانستید به انجام برسانید!

پرسش، موجب خودآگاهی انسان است. از این قدرت برای نفوذ در هر مانع یا مشکلی استفاده کنید.